

شناسایی عوامل مؤثر بر انتخاب رشته دانش‌آموزان

رشته فنی و حرفه‌ای از دیدگاه ذی‌نفعان

کمیل نصیری میانایی^۱

ابراهیم صالحی عمران^۲

میمنت عابدینی بلترک^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر انتخاب رشته دانش‌آموزان فنی و حرفه‌ای از دیدگاه دانش‌آموزان، والدین و مدیران - دبیران در شهرستان ساری انجام شده است. روش پژوهش از نوع توصیفی - پیمایشی و جامعه‌آماري مدارس فنی و حرفه‌ای پسرانه در ناحیه ۲ ساری بوده است. روش نمونه‌گیری از نوع تصادفی خوشه‌ای بوده که در نهایت تعداد ۷۲ نفر از مدیران و دبیران، ۱۸۴ نفر از دانش‌آموزان و تعداد ۱۲۲ نفر از والدین به پرسشنامه پاسخ دادند. ابزار مورد پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته نظام‌مند از نوع مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت بوده که حاوی ۲۵ سؤال می‌باشد. ضریب روایی محتوایی بر اساس CVR برابر با ۰/۹۹ و پایایی پرسشنامه مربوط به والدین، دانش‌آموزان و مدیران - دبیران به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۸۲ و ۰/۷۱ بدست آمده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک نرم‌افزار SPSS21 در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی (آزمون t و آزمون فریدمن) انجام شد. نتایج این پژوهش نشان داد که از دیدگاه مدیران و دبیران کارنامه در اولویت اول و وام‌های خود اشتغالی در اولویت آخر قرار دارد. از دیدگاه والدین بازار کار در اولویت اول و وام‌های خود اشتغالی در اولویت آخر قرار دارد و از دیدگاه دانش‌آموزان نیز، بازار کار در اولویت اول و ترس از شکست در اولویت آخر قرار دارد.

کلید واژه‌ها: آموزش فنی و حرفه‌ای، دانش‌آموزان، رشته تحصیلی

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مطالعات برنامه درسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

^۲ استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
پژوهش حاضر، مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات برنامه درسی دانشگاه مازندران می‌باشد.

مقدمه و بیان مسأله

سالیان متمادی است که درباره‌ی اهمیت و نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در پیشرفت جوامع بحث و تبادل نظر می‌گردد. اهمیت این آموزش‌ها با توجه به رشد روز افزون تقاضای کار و اشباع مشاغل اداری از یک سو و تأثیر مستقیم تولیدات فنی در رشد تولید ناخالص ملی از سوی دیگر، سیاستگذاران و برنامه‌ریزان کشور را بیش از پیش متوجه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و اهمیت آن نموده است (مرکز اروپایی توسعه آموزش‌های حرفه‌ای؛ ۲۰۱۱). آموزش و پرورش به عنوان یکی از مجریان اصلی این آموزش‌ها با اختیار داشتن حدود سه میلیون نفر دانش‌آموز در مقطع متوسطه نقش بسزایی در گسترش کمی و کیفی این آموزش‌ها دارد. بر این اساس نظام آموزش و پرورش هر کشور متناسب با نظام ارزشی، زمینه‌ی فرهنگی و شرایط اجتماعی آن جامعه باشد و با امکاناتی که در اختیار دارد، مقدمات و شرایط لازم را برای تحقق اهداف مطلوب که مورد قبول آن جامعه است فراهم آورد (موسوی، ۱۳۹۲). در این بین؛ آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش به لحاظ تأثیر عمده‌ای که در تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جامعه دارد (مقصودی، ۱۳۹۳)، همواره مورد توجه دست‌اندرکاران آموزش و پرورش بوده است. یکی از عوامل مهم در دست‌یابی به توسعه، با تأکید سازمان‌های بین‌المللی، توجه به برنامه‌های درسی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است. به علاوه یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی هر کشور نیز، نسبت دانش‌آموزان فنی و حرفه‌ای به کل دانش‌آموزان دوره متوسطه می‌باشد (احدیان و آقازاده، ۱۳۸۹). اگر آموزش فنی و حرفه‌ای در آموزش و پرورش گسترش یابد و کار بدی و مغزی هر دو در پیوند با اهمیت پیدا کند، ارزش‌های نوینی در جامعه پدیدار می‌گردد. یعنی کار یدی محقر نمی‌شود و به کار اداری یا صرفاً فکری بیش از حد توان ارجح نمی‌نهند و این ممکن نمی‌شود مگر اینکه اقتصاد وابسته به نفت رفته رفته جای خود را به اقتصاد مستقل و تولیدی بدهد (افشاری، ۱۳۸۵). آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با تنوع و تعددهای رشته‌های منطبق با نیاز بازار کار، ارائه‌ی دانش، مهارت و نگرش لازم، علم و عمل، برقراری پلی میان و مدرسه و بنگاه‌های اقتصادی و صاحبان حرفه و صنایع و ایجاد ارتباط بین آنان و طول تحصیل و همچنین ارائه‌ی مجموعه‌ای از مهارت‌های عمومی و پایه‌ای و مورد نیاز بازار کار، راهی میان‌بر در تشکیل سرمایه‌ی انسانی دانش‌محور محسوب می‌شود که با ایجاد اشتغال مولد و کارآفرینی، به عنوان موتور محرکه اقتصاد با عرضه‌ی تولیدات و خدمات با کیفیت جدید و کارکرد همراه با بهره‌وری بالا و پاسخگویی منعطف و به‌هنگام به تحولات بازار کار، اهداف عمده‌ی توسعه اقتصادی را محقق می‌سازد (آزاد، ۱۳۸۵).

امروزه کوشش بر این است که آموزش و پرورش را از صورت نظری صرف بیرون آورده و آن را به صورت آموزش توأم با کار مبدل سازند، چنین کاری علاوه بر داشتن اهمیت اقتصادی، بی‌تردید در تعدیل فاصله‌های

میان طبقات و قشرهای اجتماعی می‌تواند مؤثر باشد. از ابعاد دیگر اهمیت آموزش فنی و حرفه‌ای در این نکته است که یونسکو، بیکاری را یکی از مشکلات اساسی قرن حاضر معرفی می‌کند. مک لین مدیر یونیوک به صراحت اعلام کرده است که ۸۰ درصد مشاغل موجود در دنیا نیازمند مهارت‌های فنی و حرفه‌ای است (خلاق، ۱۳۹۱). با این حال در سال‌های اخیر نسبت دانش‌آموزان دوره‌های عمومی در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران همچنان در سطح پایین قرار دارد (بربری و همکاران، ۱۳۹۶). در مقایسه صورت گرفته با کشورهای پیشرفته، جایگاه ایران از لحاظ درصد فراگیران آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نزدیک به متوسط درصد جذب آن کشورها به آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای می‌باشد. ایران از نظر وضعیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در طول سه دهه‌ی اخیر، در دسته‌ی کشورهایی با رشد حدود ۲ تا ۵ درصد قرار دارد. این شرایط در زمانی اتفاق می‌افتد که کشورهای نظیر تایلند، کره جنوبی و ترکیه با رشد ۱۵ درصد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در حال پیشرفت هستند (هیبت الهی، ۱۳۸۲). اذعان مدیران عالی وزارت آموزش و پرورش به رشد پایین گرایش به رشته‌های فنی و حرفه‌ای در کل کشور و نیز تأکید بر دستیابی به جذب ۷۰ درصدی دانش‌آموزان در سال‌های بعد به هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای، هویدای این مطلب است که نظام آموزشی ما از نقطه‌آرمانی که سیاست‌گزاران ترسیم نموده‌اند، فاصله‌ی بسیار زیادی دارد به طوری که در حال حاضر نسبت دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای حدود ۳۷ درصد کل دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره‌ی متوسطه را تشکیل می‌دهد (نویدی، ۱۳۸۵). در جهان فرا صنعتی امروز توسعه به معنی عام بدون توجه به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مفهوم نخواهد داشت. انقلاب علمی - فنی، انقلابی عمیق و کیفی در نیروهای تولید و از آن جمله در نیروی انسانی و روش‌های تولید به وجود آورده است.

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای انجام فعالیت‌هایی است که می‌تواند فرد را برای احراز شغل، حرفه و کسب و کار آماده نماید یا کارایی و توانایی وی را در انجام آن افزایش دهد. این آموزش‌ها کسب مهارت‌ها را در راستای تکنولوژی و علوم وابسته به همراه دانش‌های خاص مربوط به شغل و در بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارائه می‌دهد. توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در شرایط کنونی برای اقتصاد و فرهنگ ایران و به‌ویژه شتاب‌دهی به فرایند تولید امری حیاتی است؛ زیرا سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و افزایش ابزار و تجهیزات و به‌طور کلی سرمایه‌فیزیکی بدون سرمایه‌انسانی بلا استفاده مانده و یا به نحو اقتصادی و کارآمد مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گیرد.

بنابراین از ضرورت‌ها و الزامات رشد و توسعه اقتصادی، نظام آموزش برای ایجاد مهارت‌های لازم سرمایه انسانی است و در این میان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تلفیقی است از علم، فن و هنر و نقش بسیار مهمی

در تأمین نیروی انسانی کارآمد ایفا نموده و مضمونی توسعه‌ای دارد. هدف از این آموزش‌ها، افزایش توانایی‌های دانش، مهارت و قدرت درک افراد و انجام مطلوب‌تر کار در محدوده وظایف شغلی است.

از آنجایی که موضوع بیکاری یکی از مهمترین مسائل و مشکلات جهان است و در کشورهای در حال توسعه با توجه به عدم توازن ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی سهم بیشتری را بر توسعه دارد و با توجه به اینکه یکی از دلایل بیکاری در کشور فقدان مهارت‌های مورد نیاز بازار کار از سوی جویندگان کار می‌باشد، انتظار می‌رود سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای با ارائه آموزش‌های مهارتی بتواند نقش بسزایی در کاهش میزان بیکاری ایفا کند. زیرا آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به سبب انعطاف‌پذیری نشأت گرفته از خصیصه‌های بازار کار و اوضاع اقتصادی کشور و نیز به دلیل آموزش و ایجاد مهارت‌های لازم در افراد برای توانایی در احراز مشاغل، نقش به‌سزایی در اشتغال دارد. این آموزش‌ها هم مهارت‌های خاص مورد نیاز صنعت و هم مهارت‌های عمومی بازار کار را فراهم می‌سازد و همچنین برای شاغلینی که به دلیل تغییرات تکنولوژی دچار کاهش کارایی می‌شوند امکان به روز شدن و تکمیل مهارت را فراهم می‌کند. لذا به این نوع آموزش‌ها به‌عنوان ابزاری برای مقابله با بیکاری بالادست بیکاری ساختاری که ناشی از تغییرات در اقتصاد جهانی می‌باشد، نگریده می‌شود (اکبری، ۱۳۸۴).

پژوهش حاضر از ویژگی‌هایی برخوردار است که آن را نسبت به پژوهش‌های قبلی متمایز می‌نماید. یکی از ویژگی‌های پژوهش حاضر، واقع شدن در هفتمین سال اجرای سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش بوده که در این سند تأکید ویژه‌ای بر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای شده و برای رسیدن جذب هنرجو به پنجاه درصد و سپس هفتاد درصد برنامه ویژه‌ای تدوین گردیده است، در صورتی که قبل از اجرای سند تحول بنیادین معیار خاصی برای میزان جذب دانش‌آموزان پایه اول متوسطه به رشته‌های فنی و حرفه‌ای وجود نداشت.

از دیگر موارد تمایز این پژوهش از تحقیقات مشابه، حذف مردودی سال اول متوسطه و ورود اجباری دانش‌آموزان تجدیدی به هنرستان‌ها در هنگام این پژوهش بوده که در تحقیقات گذشته و قبل از سال ۱۳۹۱، چنین قانونی وجود نداشت و دانش‌آموزان در صورت قبولی در پایه اول متوسطه مجاز به ادامه تحصیل می‌بودند. کاهش دستوری پذیرش دانش‌آموز در رشته‌های نظری و اثر آن در افزایش ورودی به هنرستان‌ها و نیز برجسته شدن نقش نمرات درسی در هدایت تحصیلی با توجه به خودداری دبیرستان‌های نظری از پذیرش دانش‌آموزان تجدیدی، از دیگر مواردی است که می‌توان به عنوان تفاوت‌های این پژوهش با پژوهش‌های گذشته عنوان نمود.

این موارد به طور قطع در نتایج حاصله تأثیرگذار خواهد بود. در شهرستان ساری نیز تاکنون پژوهش مدونی در خصوص عوامل تأثیرگذار در جذب و مستعد کردن دانش‌آموزان به رشته‌های فنی و حرفه‌ای صورت نگرفته است و انجام این پژوهش و دیگر پژوهش‌ها در سال‌های آتی می‌تواند کمک شایانی به ارتقای کمی

و کیفی رشته‌های فنی و حرفه‌ای نماید. فارغ از زمان اجرای پژوهش، در تمام پژوهش‌هایی که در ایران پیرامون آموزش‌های فنی و حرفه‌ای صورت گرفته، به نقش مؤثر عوامل تأثیرگذار و به‌خصوص متغیر هدایت تحصیلی در گرایش دانش‌آموزان به این آموزش‌ها تأکید شده است.

در این پژوهش امید به اشتغال، نگرش‌های منفی و مثبت در جامعه نسبت به فنی و حرفه‌ای، مشکلات موجود در هنرستان‌ها و تأثیر آن بر جذب در رشته‌های فنی و حرفه‌ای همانند تحقیقات گذشته بررسی گردیده است. با توجه به بررسی پیشینه پژوهشی مرتبط با عوامل مؤثر بر انتخاب رشته فنی و حرفه‌ای به وسیله دانش‌آموزان فنی و حرفه‌ای، مشخص شد که در زمینه نظرات مربیان و خانواده و دانش‌آموز به طور مجزا پرداخته نشد از این رو در پژوهش حاضر به دنبال شناسایی عواملی است که در انتخاب رشته فنی و حرفه‌ای توسط دانش‌آموزان مؤثر بوده است.

اهداف پژوهش

الف) اهداف کلی:

تعیین عوامل مؤثر بر انتخاب رشته دانش‌آموزان به رشته فنی و حرفه‌ای از دیدگاه ذی نفعان

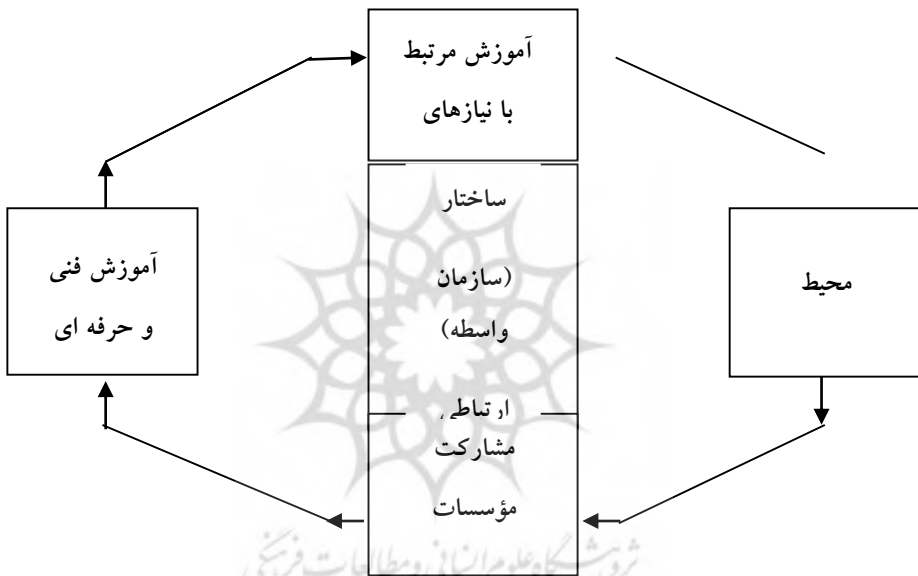
ب) اهداف جزئی:

- ۱- بررسی عوامل اثرگذار بر انتخاب رشته دانش‌آموزان به فنی و حرفه‌ای از دیدگاه مدیران و دبیران.
- ۲- بررسی عوامل اثرگذار بر انتخاب رشته دانش‌آموزان به فنی و حرفه‌ای از دیدگاه خانواده(والدین).
- ۳- بررسی عوامل اثرگذار بر انتخاب رشته دانش‌آموزان به فنی و حرفه‌ای از دیدگاه خودشان.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

با توجه تغییرات سریع فناوری و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن، پیچیدگی‌های دنیای کار به همراه ظهور چالش‌ها و مفاهیمی از قبیل توسعه پایدار، آموزش مادام‌العمر، آموزش برای همه و کار شایسته جهانی‌سازی و رسیدن به شاخص‌ها و استانداردهای توسعه، به ویژه سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، ضرورت دارد افراد کشور در هر بخش از زندگی اجتماعی و حرفه‌ای خود به طور مستمر دانش، مهارت و نگرش خود را توسعه دهند تا در جامعه دانش محور، زندگی و کار هدفمندی داشته باشند. آموزش و مهارت آموزی سبب پیشرفت فردی، افزایش بهره‌وری و تسهیل مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی می‌شود. به‌طور کلی آموزش و مهارت

آموزی سبب افزایش درآمد و کاهش فقر می‌شود. محصول این آموزش‌ها، دانش و مهارت‌ها، موتورهای رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی هستند و سرمایه‌گذاری در این آموزش، سرمایه‌گذاری برای آموزش تلقی می‌شود. ساختار رشته‌های فنی و حرفه‌ای بر سه زمینه‌ی صنعت؛ خدمات و کشاورزی پایه‌گذاری شده و هر زمینه دارای چند رشته است. ۵۸ واحد از این درس‌های این شاخه در همه رشته‌ها به صورت مشترک ارائه می‌شود. درس‌های اختصاصی برای هر رشته حدود ۳۹ واحد است (عبداللهی، ۱۳۹۵). هدف اصلی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، ایجاد پل بین آموزش و دنیای کار است که می‌توان در قالب تصویر زیر توصیف نمود؛



شکل ۱: پل ارتباطی بین محیط کار و آموزش فنی و حرفه‌ای (خلاق، ۱۳۸۱)

فنی و حرفه‌ای و آموزش‌های آن بر پایه‌ی نظریه‌هایی همچون نظریه سرمایه انسانی است و مدل شایستگی به عنوان یکی از رویکردهای استراتژیک مدیریت منابع انسانی، از این آموزش‌ها حمایت می‌کند. در حال حاضر، با توجه به شرایط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جوامع و رویکرد آن‌ها نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای؛ سه الگوی رسمی برای ارائه‌ی آن‌ها ایجاد شده است. الگوی اول؛ که کشورهایمانند انگلیس، آمریکا و ژاپن بیشتر از آن تبعیت می‌کنند، الگوی بازار محور است. در این الگو مراکز حرفه‌آموزی در مؤسسات تولیدی و خدماتی استقرار یافته‌اند. در الگوی دوم؛ که

۴۱ شناسایی عوامل موثر بر انتخاب رشته دانش آموزان رشته فنی و حرفه ای

آموزش فنی و حرفه‌ای تمام وقت است، آموزش عملی و نظری به‌طور مشترک ارائه می‌شوند و دارای ارتباط با بازار کار نیست. این الگو در کشورهای همچون فرانسه، اسپانیا و ایران استفاده می‌شود. در نهایت در الگوی سوم؛ تحصیلات و کارآموزی در دو محیط مدرسه و کار صورت می‌گیرد و یادگیری مرتبط با بازار کار، اصل و اساس زیربنایی را تشکیل می‌دهد. آلمان، استرالیا و سوئیس تابع این الگو هستند (هادلستون و او، ۲۰۰۴ به نقل از آهنگ، ۱۳۹۰).

پژوهش‌های مختلفی نیز در راستای عوامل مؤثر بر انتخاب رشته انجام شده است که نزدیک‌ترین پژوهش‌ها بیان می‌گردد؛ مرادی و اخوان تفتی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان بررسی رضایت دانش آموزان دوره متوسطه نظری از انتخاب رشته خویش و عوامل مؤثر بر آن پرداختند. نتایج نشان داد که همبستگی مثبت و معناداری میان رضایت دانش‌آموزان و متغیر علاقه شخصی و همبستگی منفی و معناداری میان رضایت دانش‌آموزان و کیفیت خدمات مشاوره‌ای و نحوه انتخاب رشته وجود دارد. رضاپور و شفیع‌نیز (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی "عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان" پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که علاقه دانش‌آموزان دارای اهمیت بالایی در انتخاب است.

خنیفر و عبدالحسینی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان موضوع توسعه متوازن آموزش و پرورش، یکی از عوامل توسعه متوازن در آموزش فنی و حرفه‌ای را توجه مشاوران به منظور هدایت تحصیلی بر اساس علاقه به جای معدل و برنامه ریزی برای کشف استعداد قبل از انتخاب رشته دوره متوسطه می‌دانند.

جاوید (۲۰۱۸) در پژوهش خود در ارتباط با موضوع حاضر، به این نتیجه دست یافت که عوامل مختلفی در دوره متوسطه اثرگذار است. اولین مرتبه خود دانش‌آموز و پتانسیل‌های اوست. پس از آن دانش و اطلاعات قبلی، سطح سواد و تحصیلات و یا شغل والدین و در نهایت وضعیت مالی در انتخاب موضوع و رشته مهمترین عوامل اثرگذار شناخته شده‌اند.

کوماژگی (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر انتخاب حرفه‌ای در بین فراگیران فنی در شمال شرق نیجریه پرداخت. نتایج بدست آمده حاکی از آن بود که فراگیران کالج فنی بر این باورند که عوامل محیطی و عوامل مربوط به والدین آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. در حالی که عوامل

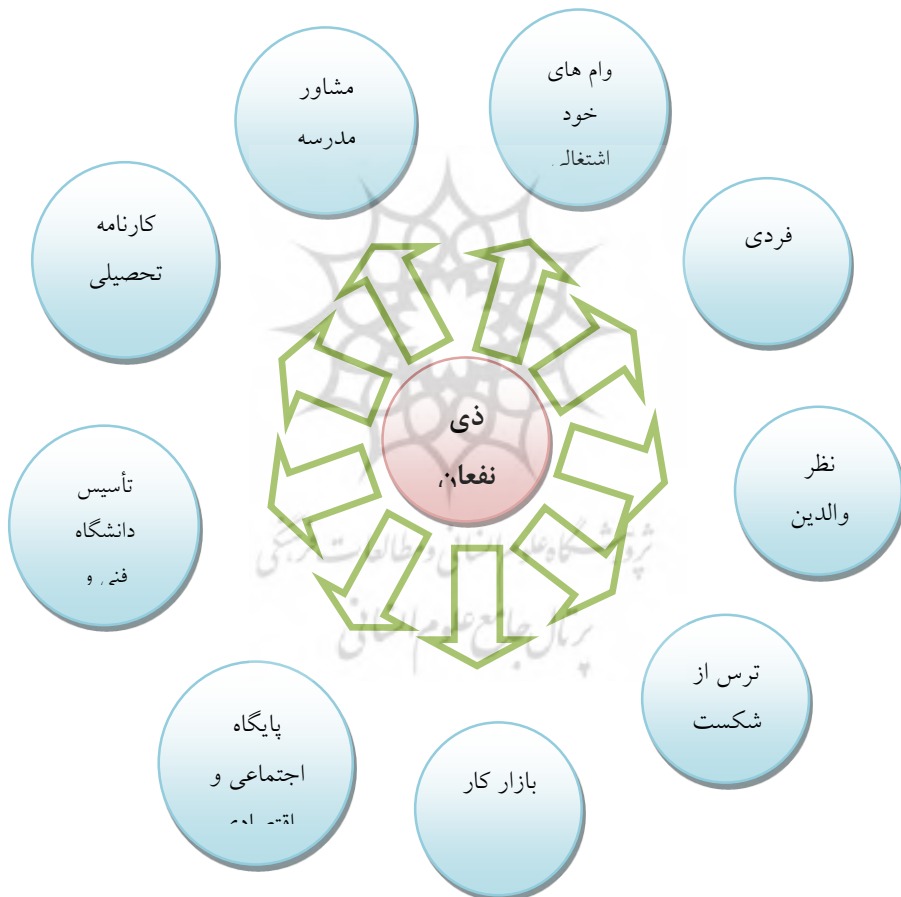
^۱Javed

^۲Kumazhege

سال هفتم، شماره بیست و هشت، تابستان ۱۳۹۸، فصلنامه علمی مهارت‌آموزی
مرتبط با شخصیت فراگیران؛ گروه همسالان عوامل مرتبط با آن و مربی در مورد انتخاب حرفه‌ای
تأثیر نمی‌گذارد.

نتایج پژوهش فیزر (۲۰۱۳) نشان داد که بیشترین اثرگذاری در انتخاب رشته و شغل، توسط والدین
است. در واقع والدین، مهمترین عامل اثرگذار در این رابطه هستند و پس از آن، انتخاب و علاقه
فراگیران عامل اثرگذار می‌باشد.

در نهایت مدل پژوهش؛



شکل ۲- مدل مفهومی پژوهش

روش شناسایی پژوهش

این پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی می باشد. جامعه مورد نظر در پژوهش حاضر کلیه دانش آموزان پسر دوره متوسطه دوم (پایه دهم) هنرستان های پسرانه فنی و حرفه ای شهرستان ساری است که در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ روی هم ۴۳۰ نفر بودند. جامعه ی والدین نیز همین تعداد و مدیران و دبیران نیز ۹۰ نفر بوده است. نمونه آماری از دانش آموزان و والدین هر کدام، ۲۰۵ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند که از این تعداد ۱۸۴ پرسشنامه دانش آموزان و ۱۲۲ پرسشنامه والدین بازگشت داده شد که مورد بررسی قرار گرفت. تعداد نمونه مدیران و دبیران نیز ۷۲ نفر بوده است روش نمونه گیری نیز، تصادفی خوشه ای بوده است. ابزار پژوهش حاضر پرسشنامه محقق ساخته می باشد که بر اساس مبانی نظری و مطالعات انجام شده در قالب ۲۵ گویه تدوین گردید. به دلیل جامعه های متفاوت پاسخگو (والدین، دانش آموزان، مدیران و دبیران)؛ به تناسب سه پرسشنامه طراحی گردید. میانگین نظری نیز ۲ در نظر گرفته شده است. روایی محتوایی بر اساس CVI برابر با ۰/۹۹ و پایایی پرسشنامه مربوط به والدین، دانش آموزان و مدیران - دبیران نیز بر اساس آلفای کرونباخ؛ به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۸۲ و ۰/۷۱ بدست آمد. تجزیه و تحلیل داده ها در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی با کمک Spss 21 انجام شد.

یافته ها

به منظور بررسی عوامل اثرگذار بر انتخاب رشته دانش آموزان به فنی و حرفه ای از دیدگاه مدیران و دبیران از آزمون t تک نمونه ای استفاده شد. نتایج بدست آمده در جدول زیر آورده شده است. جدول ۱- نتایج آماری آزمون t تک نمونه ای جهت بررسی عوامل اثرگذار بر انتخاب رشته دانش آموزان به فنی و حرفه ای از دیدگاه مدیران و دبیران

شاخص ها					مؤلفه ها
(P-Value)	درجه آزادی	آماره t	انحراف معیار	میانگین	
۰۰۰ .۰	۷۲	۲۱۵ .۱۴	۳۵۶ .۰	۵۹۳ .۲	فردی
۰۰۰ .۰	۷۲	۵۳۷ .۱۰	۳۳۶ .۰	۴۱۵ .۲	نظر والدین
۰۰۰ .۰	۷۲	۹۴۵ .۳	۷۶۱۵۲ .۰	۳۵۱ .۲	ترس از شکست تحصیلی
۰۰۰ .۰	۷۲	۳۰۵ .۹	۶۲۴ .۰	۶۸۰ .۲	بازار کار

۱. اکثر پرسشنامه های مربوط به والدین دانش آموزان به دلیل مشغله زیاد یا سطح سواد (بیسواد) تکمیل نگردید.

۰۰۰ .۰	۷۲	۱۰۴ .۷	۴۱۱ .۰	۳۴۲ .۲	پایگاه اجتماعی و اقتصادی والدین
۰۰۰ .۰	۷۲	۸۳۴ .۱۰	۵۵۸ .۰	۷۰۷ .۲	تأسیس دانشگاه فنی و حرفه‌ای و امکان‌پذیری ادامه تحصیل
۰۰۰ .۰	۷۲	۶۸۳ .۱۴	۵۵۰ .۰	۹۴۵ .۲	کارنامه تحصیلی
۰۰۰ .۰	۷۲	۳۱۲ .۱۲	۵۶۰ .۰	۸۰۸ .۲	مشاور مدرسه
۰۱۱ .۰	۷۲	۶۲۳ .۲	۹۸۱ .۰	۳۰۱ .۲	وام‌های خود اشتغالی

بر مبنای جدول (۱)؛ از آنجا که سطح معناداری آزمون تی برای بررسی عوامل اثرگذار بر انتخاب رشته دانش‌آموزان به فنی و حرفه‌ای از دیدگاه مدیران و دبیران کمتر از ۰/۰۵ است، می‌توان نتیجه گرفت که از دیدگاه آن‌ها بیشترین عامل اثرگذار بر انتخاب رشته؛ کارنامه دانش‌آموزان و کمترین عامل اثرگذار وام‌های خود اشتغالی می‌باشد.

علاوه بر این از آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی عوامل استفاده شد که نتایج نشان داد بین عوامل اثرگذار بر انتخاب رشته دانش‌آموزان به فنی و حرفه‌ای از دیدگاه مدیران و دبیران تفاوت معناداری در سطح ۰/۹۵ وجود دارد. با توجه به میانگین رتبه‌ها، عوامل تأثیرگذار به این ترتیب می‌باشد؛ بر اساس نمره در کارنامه تحصیلی، تشویق مشاور مدرسه، تأسیس دانشگاه فنی و حرفه‌ای، بازار کار، فردی، نظر والدین، ترس از شکست، پایگاه اجتماعی و اقتصادی و در نهایت وام‌های خوداشتغالی.

جدول ۲- نتایج آماری آزمون t تک نمونه‌ای جهت بررسی عوامل اثرگذار بر انتخاب رشته دانش‌آموزان به فنی و حرفه‌ای از دیدگاه خانواده(والدین)

شاخص‌ها					مؤلفه‌ها
(P-Value)	درجه آزادی	آماره t	انحراف معیار	میانگین	
۰۰۰ .۰	۱۲۲	۴۴۱ .۱۰	۶۵۰۵۹ .۰	۲ ۶۱۲۵	فردی
۰۰۰ .۰	۱۲۲	۳۰۳ .۹	۰ . ۶۷۸۴۹	۲ ۵۶۹۱	نظر والدین
۰۳۷ .۰	۱۲۲	۱۱۲ .۲	۹۶۷۷۹ .۰	۲ ۱۸۴۳	ترس از شکست تحصیلی
۰۰۰ .۰	۱۲۲	۵۳۸ .۹	۷۴۶۹ .۰	۲ ۶۴۲۳	بازار کار

۰۰۰ .۰	۱۲۲	۷۷۲ .۸	۶۶۱۲۹ .۰	۰۲ ۵۲۳۰	پایگاه اجتماعی و اقتصادی والدین
۰۰۰ .۰	۱۲۲	۲۹۲ .۷	۶۹۶۵۹ .۰	۰۲ ۴۵۸۰	تأسیس دانشگاه فنی و حرفه‌ای و امکان‌پذیری ادامه تحصیل
۰۰۰ .۰	۱۲۲	۰۹۲ .۵	۸۰۲۷ .۰	۰۲ ۳۶۸۶	کارنامه تحصیلی
۰۰۰ .۰	۱۲۲	۵۲۴ .۴	۷۹۳۹۴ .۰	۰۲ ۳۱۹۸	مشاور مدرسه
۰۷۲ .۰	۱۲۲	۸۱۳ .۱	۰۹۴۱ .۱	۰۲ ۱۷۸۹	وام‌های خود اشتغالی

بر مبنای جدول فوق می‌توان عنوان کرد که از دیدگاه والدین، بازار کار به عنوان مهمترین عامل در انتخاب رشته دانش‌آموزان می‌باشد و کم اهمیت‌ترین عامل در این راستا؛ وام‌های خود اشتغالی است.

در واقع عامل (میزان تأثیر وام‌های خود اشتغالی) که میزان $(P \geq 0/05)$ معنی‌دار نیز نمی‌باشد. نتایج آزمون فریدمن نیز نشان داد بین عوامل اثرگذار بر انتخاب رشته دانش‌آموزان به فنی و حرفه‌ای از دیدگاه خانواده تفاوت معناداری در سطح $0/95$ وجود دارد. با توجه به میانگین رتبه‌ها؛ عوامل تأثیرگذار به ترتیب زیر است؛ بازار کار، فردی، نظر والدین، پایگاه اجتماعی و اقتصادی والدین، تأسیس دانشگاه فنی و حرفه‌ای، کارنامه تحصیلی، مشاور مدرسه، ترس از شکست و وام‌های خود اشتغالی می‌باشد.

جدول ۳ - نتایج آماری آزمون t تک نمونه‌ای جهت بررسی عوامل اثرگذار بر انتخاب رشته دانش‌آموزان به فنی و حرفه‌ای از دیدگاه خودشان

شاخص‌ها					مؤلفه‌ها
(P-Value)	درجه آزادی	آماره t	انحراف معیار	میانگین	
۰۰۰ .۰	۱۸۳	۹۳۳ .۱۲	۶۱۱۸۱ .۰	۵۸۳۳ .۲	فردی
۰۰۰ .۰	۱۸۳	۷۱۷ .۱۷	۴۸۸۴ .۰	۶۳۷ .۲	نظر والدین
۴۰۸ .۰	۱۸۳	-۸۳۰ .۰	۷۹۹۶ .۰	۹۵۱ .۱	ترس از شکست تحصیلی
۰۰۰ .۰	۱۸۳	۶۵۲ .۲۱	۵۷۶۵ .۰	۹۲۰ .۲	بازار کار
۰۰۰ .۰	۱۸۳	۴۳۲ .۱۰	۵۳۴۷ .۰	۴۱۲ .۲	پایگاه اجتماعی و اقتصادی والدین

۰۰۰ .۰	۱۸۳	۷۱۱ .۱۳	۶۴۵۲ .۰	۶۵۲ .۲	تأسیس دانشگاه فنی و حرفه‌ای و امکان‌پذیری ادامه تحصیل
۰۰۰ .۰	۱۸۳	۴۱۲ .۴	۷۹۰۹ .۰	۲۵۷ .۲	کارنامه تحصیلی
۰۰۰ .۰	۱۸۳	۶۴۲ .۴	۸۸۹۳ .۰	۳۰۴ .۲	مشاور مدرسه
۰۲۳ .۰	۱۸۳	۳۰۱ .۲	۰۲۵۴ .۱	۱۷۳ .۲	وام‌های خود اشتغالی

همان‌طور که جدول بالا نشان می‌دهد که از نظر دانش‌آموزان، مهم‌ترین عامل؛ بازار کار و کم‌اهمیت‌ترین عامل؛ ترس از شکست می‌باشد. البته لازم به ذکر است که میزان تأثیر ترس از شکست تحصیلی از دیدگاه هنرجویان معنی‌دار نمی‌باشد. نتایج آزمون فریدمن نیز نشان داد که بین عوامل اثرگذار بر انتخاب رشته دانش‌آموزان به فنی و حرفه‌ای از دیدگاه هنرجویان تفاوت معناداری در سطح ۹۵/۰ وجود دارد. عوامل تأثیرگذار بدین ترتیب می‌باشد؛ بازار کار، تأسیس دانشگاه فنی و حرفه‌ای، نظر والدین، فردی، پایگاه اجتماعی و اقتصادی، نظر مشاور مدرسه، کارنامه، وام‌های خود اشتغالی و ترس از شکست.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از سؤال اول نشان داد که از دیدگاه مدیران و دبیران مدارس، بیشترین عامل اثرگذار بر انتخاب رشته؛ کارنامه دانش‌آموزان و کمترین عامل اثرگذار وام‌های خود اشتغالی می‌باشد. نکته قابل توجه در اینجا آن است که مهم‌ترین عامل نباید کارنامه دانش‌آموزان باشد. در واقع نقش مشاوره تحصیلی متناسب با استعدادهای افراد باید مهم‌ترین عامل اثرگذار باشد. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و مهارتی، در هر کشوری ساختاری است یکپارچه و هدفمند که وظیفه اصلی آن آموزش و تربیت نیروی کار ماهر برای ورود به بازار کار و هم‌چنین آموزش مداوم مهارت‌های لازم به شاغلین برای حفظ و توسعه اشتغال موجود و انطباق توانمندی‌های افراد با نیازهای جدید بازار کار و تغییرات تکنولوژی می‌باشد. پژوهش حاضر با مرادی و اخوان تفتی (۱۳۹۲)، مسرور (۱۳۸۲) و جاوید (۲۰۱۸) همسو می‌باشد. نتایج سؤال دوم نیز حاکی از آن بود که بازار کار به عنوان مهم‌ترین عامل بازار کار و کم‌اهمیت‌ترین عامل؛ وام‌های خود اشتغالی می‌باشد. پژوهش حاضر با نتیجه خنیفر، جندقی و عبدالحسینی (۱۳۸۶) همسو است. با توجه به اینکه در پژوهش حاضر اکثریت سطح سواد والدین، سیکل و نزدیک به دیپلم بوده است، این امر خود می‌تواند آسیب‌هایی برای این امر باشد. چگونه می‌توان در نظر گرفت که والدینی که خود از فضای تحصیل و انتخاب رشته به دورند بتوانند واقع بینانه و بر اساس استعدادها و در نظر گرفتن جوانب مناسب انتخاب رشته فرزندان خود را درست

هدایت کنند. بررسی وضعیت مالی و اقتصادی خانواده‌ها نیز نشان داد، هر مقدار وضعیت اقتصادی خانواده دانش‌آموزان ضعیف‌تر باشد، بیشتر جذب رشته‌های فنی و حرفه‌ای می‌شوند و این تراکم شاید به دلیل پیش بینی سختی هزینه‌های تحصیلات دانشگاهی و زود بازده بودن رشته فنی حرفه ای باشد. از این منظر همسو با پژوهش جاوید (۲۰۱۸) است که در پژوهش خود نشان داد سطح سواد و شغل والدین و وضعیت اقتصادی، عامل اثرگذاری در این راستا است. همچنین همسو با پژوهش‌های کوماژگی (۲۰۱۷) و فیزر (۲۰۱۳) می‌باشد. والدین یکی از اثر گذارترین عوامل بر تصمیمات شغلی و تحصیلی دانش‌آموزان هستند و اینکه آیا میزان آگاهی آن‌ها از شرایط و امکانات آینده این تصمیمات چقدر است و به چه میزان مسیر درست را نشان می‌دهند، خود جای بحث دارد. به نظر می‌رسد اجبار والدین به انتخاب رشته‌های فنی و حرفه‌ای یکی از موارد بسیار خطرناک است که به مقاصد شخصی همچون ورود سریع‌تر به بازار کار انجام می‌گیرد. در واقع امروزه دسترسی به اشتغال پایدار یکی از نیازهای اساسی جوانان بوده و فراهم کردن بستر مناسب جهت دسترسی به آن یکی از وظایف اساسی دولت‌ها و خانواده‌ها محسوب می‌شود. در این میان حل مشکل بیکاری در ایران که بیش از یک سوم جمعیت آن را جوانان تشکیل می‌دهند و دسترسی به اشتغال مناسب، مهمترین دغدغه جوانان است؛ چرا که بخش عمده‌ای از آنان در آستانه ازدواج و تشکیل زندگی مستقل قرار دارند و بدین ترتیب نیاز به فراهم آوردن شغل مناسب برای آنان اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در این زمینه باید این مسأله را نیز مد نظر قرار داد که شغل پایدار و مناسب موجب استقلال، آرامش روانی و آسایش زندگی افراد جامعه است؛ بنابراین دولت باید تلاش‌های عمده‌ای را در این زمینه انجام دهد. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در اجتماع نه تنها موجب ارتقای بهره‌وری می‌گردد بلکه با ایجاد انضباط، تعهد، احساس مسئولیت، وظیفه شناسی، مهارت شهروندی و جامعه‌پذیر نمودن جمعیت سنی جوان کشور متغیرهای کارکرد اجتماعی را به شدت متأثر ساخته و با ایجاد اشتغال مفید و کارآفرینی باعث کاهش سطح بیکاری، توانمندسازی افراد برای زندگی بهتر، افزایش سلامت و بهداشت روانی، توسعه‌ی عرصه زندگی، کار و حرفه، بهبود روابط اجتماعی و مناسبات انسانی، زمینه‌های تغییرات و توسعه سریع اجتماعی را مهیا می‌نماید.

نتایج حاصل از سؤال سوم نیز نشان داد که مهمترین عامل؛ بازار کار و کم اهمیت‌ترین عامل؛ ترس از شکست می‌باشد از این منظر همسو با نتایج مرادی و اخوان تفتی (۱۳۹۲)، خنیفر، جندقی و عبدالحسینی (۱۳۸۶) است. شغل، اهمیت و ضرورت ویژه‌ای در زندگی انسان دارد و در واقع یکی از تصمیم‌گیری‌های اساسی و سرنوشت‌ساز برای وی می‌باشد. در گذشته که تنوع مشاغل تا به حد

امروزی نبوده است، اغلب انتخاب شغل برای فرزندان به صورت موروثی انجام می‌گرفته است. به عبارتی فرزندان همان شغل پدر را انتخاب کرده و آن را ادامه می‌دادند. امروزه بنا به دلایل مختلفی کمتر از گذشته این اتفاق می‌افتد و اغلب جوانان در شرایطی قرار می‌گیرند که ناچار به انتخاب شرایط شغلی هستند. البته این امر و خود شرایط شغلی و دل‌خواهی بودن آن‌را نشان نمی‌دهد. چون که در موارد زیادی عواملی خاص یک موقعیت شغلی را بر فرد تحمیل می‌کند. با این حال پایه‌های انتخاب شغل و مراحل لازم برای رسیدن به شغل مورد نظر اغلب در سنین پایین‌تر گذاشته می‌شود. افراد با در نظر داشتن عوامل موثر در پایه‌ریزی این مراحل و عوامل دیگر مسیر شغلی خود را هدایت می‌کنند. ورود به بازار کار و دستیابی به شغلی مناسب دغدغه‌ای است که از همان میانه‌های سال‌های دبیرستان بین نوجوانان مطرح می‌شود. با اینکه همواره مشاوران تحصیلی از دانش‌آموزان می‌خواهند بنا به علاقه شخصی خود دست به انتخاب رشته بزنند، اما خانواده‌ها، فرزندان خود را به سمت رشته‌هایی سوق می‌دهند که برای آن بازار کار بهتری را متصور هستند. به‌عنوان مثال در یک دوره رشته‌های مهندسی پیش‌آمد بازار کار بودند، در دوره‌های دیگر رشته حقوق در صدر علایق خانواده‌ها قرار گرفت. به همین علت است که امروز با بازار کاری مواجه هستیم که سمت تقاضای آن مملو از مهندسان و حقوق‌خوانده‌هایی است که بیکار مانده‌اند و سمت عرضه هم چنان اشباع شده است که اگر تا سال‌ها دانشگاه‌ها خروجی هم نداشته باشند، مشکلی برای تأمین نیروی انسانی پیش نیاید. البته در این بین رشته‌هایی هم وجود دارند که به‌رغم بازار کار مناسب، از کمبود نیروی انسانی رنج می‌برند. روی هم رفته یکی از مهمترین دلایل انتخاب رشته فنی و حرفه‌ای، جذابیت‌های مالی و زود بازده بودن از لحاظ اقتصادی است که به منظور بهبود شرایط مالی می‌باشد.

در نهایت هنرستان‌ها با چالش‌های فراوانی در زمینه‌های فرهنگی، نگرشی، تجهیزاتی و اعتبارات درگیر هستند که مانع بزرگی در گرایش دانش‌آموزان به رشته‌های فنی و حرفه‌ای است. آموزش و پرورش با توجه به نیاز جامعه و افزایش نرخ بیکاری تحصیل‌کردگان، حرکت به سمت توسعه متوازن آموزش و پرورش را چاره‌ساز حل مشکلات موجود می‌داند. شناخت راه‌های جذب دانش‌آموزان مستعد و علاقه‌مند به رشته‌های فنی و حرفه‌ای و تقویت آن عوامل از یک سو و شناسایی دقیق نقاط ضعف این رشته‌ها از سوی دیگر، نیازمند یک کار تحقیقاتی منسجم است تا با بررسی آن عوامل موانع موجود برطرف گردد (دالی، ۲۰۱۳).

پیشنهادهای پژوهش

با توجه به اهمیت انتخاب آگاهانه رشته تحصیلی؛ نقش مشاوران متخصص و آموزش دیده در مشاوره تحصیلی و شغلی باید در مدارس بیش از پیش روشن و پررنگ تر گردد تا اینکه انتخاب رشته توسط دانش آموزان با اطمینان و آگاهی بیشتری صورت بگیرد. تحصیلات والدین نیز به عنوان یک عامل مهم در این راستا تلقی می شود، لذا باید آموزش های لازم جهت برخورد مناسب در کلاس ها و سمینارهای آموزشی به والدین داده شود تا کمک شایانی به انتخاب صحیح دانش آموزان نماید. همچنین پیشنهاد می شود پژوهشگران در آینده به مقایسه تفاوت های دختران و پسران در عوامل مؤثر بر انتخاب رشته فنی و حرفه ای بپردازند.

فهرست منابع

- آهنگ، ولی اله (۱۳۹۰). آسیب شناسی عوامل بیرونی و عوامل درونی نظام آموزش فنی و حرفه ای در استان خوزستان در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۸۹ در چارچوب اهداف و انتظارات سازمان آموزش مهارت و فناوری ایران (پایان نامه کارشناسی ارشد). اهواز: دانشگاه شهید چمران.
- احدیان، محمد و آقازاده، محرم (۱۳۸۹). راهنمای برنامه ریزی درسی. تهران: نو پردازان.
- آزاد، ابراهیم (۱۳۸۵). عوامل موفقیت در نظام های آموزش فنی و حرفه ای. رشد آموزش فنی و حرفه ای. ۱(۲). ۹-۴.
- افشاری، غلامحسین (۱۳۸۵). نظرات دبیران مشاور و دانش آموزان در رابطه با برخی از عوامل گرایش با شاخه کار دانش نظام جدید متوسطه در شهرستان دزفول. تهران: پژوهشگاه تعلیم و تربیت.
- اکبری، حبیب الله (۱۳۸۴). اثر بخشی آموزش مهارت های کاربردی بر نگرش به بازار کار و خودپنداره شغلی فارغ التحصیلان دانشگاهی مرد مراجعه کننده به مراکز کاربردی وزارت کار در نیشابور (پایان نامه کارشناسی ارشد). تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- بربری، محمد جواد؛ راغفر، حسین؛ کلاتتری، عبدالحسین و غفاری، غلامرضا (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی تأثیر توسعه آموزشی بر توسعه یاران و کشورهای منتخب. پژوهش در نظام های آموزشی. ۳۸: ۱۳۶-۱۰۳.
- خلاق، علی اصغر (۱۳۹۱). نوآوری در فناوری. نوآوری های آموزشی. ۱(۲): ۳۱-۴۲.
- خنیفر، حسین؛ جنادقی، غلام رضا و عبدالحسینی، بیتا (۱۳۸۶). شناسایی و تدوین استانداردهای علمی و عملکردی مدیران آموزش مدارس متوسطه شهر تهران و ارائه الگوی مناسب. روان شناسی و علوم تربیتی. ۷۷: ۱۱۷-۱۴۰.
- رضابور، علی و شفیعی، میثم (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی دانش آموزان از دیدگاه دانش آموزان شهر تهران. تهران: پژوهشگاه تعلیم و تربیت.
- عبدالمهدی، حسین (۱۳۹۵). ارزیابی سازو کارهای تجربه شده برقراری ارتباط بین آموزش فنی و حرفه ای رسمی و بازار کار در ایران. پژوهش در برنامه ریزی درسی. ۱۳(۲۲): ۱۶۷-۱۵۲.

- مرادی، انسیه و اخوان تفتی، مهناز (۱۳۹۲). بررسی رضایت دانش‌آموزان دوره متوسطه نظری از انتخاب رشته خویش و عوامل مؤثر بر آن. مدیریت درآموزش و پرورش. ۷(۲۱): ۱۲۱-۱۳۸.
- مقصودی، فرشته (۱۳۹۳). نقش آموزش‌های فنی حرفه‌ای در اقتصاد کشور و توسعه کسب و کار. کار و جامعه. ۱۷۳: ۴۰-۴۷.
- موسوی، سید محمد (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر انتخاب رشته‌های فنی و حرفه‌ای از سوی دانش‌آموزان پسر در استان سمنان (پایان نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی درسی). تهران: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
- نویدی، احد (۱۳۸۵). رابطه بین رشته تحصیلی شغل مورد انتظار دانش‌آموزان شاخه کار دانش در شهر تهران. چکیده تحقیقات آموزش فنی و حرفه‌ای. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- هیبت الهی، سید محمد (۱۳۸۲). علل گرایش دانش‌آموزان مقطع متوسط شهرستان سنندج به رشته‌های مختلف تحصیلی در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.

- Boudarbat B. & Montmarquett C. (2009). Choice of fields of study of university Canadian graduates: The role of gender and their parents' education *Education Economics Taylor and Francis Journals*. 17(2): 185-213.
- Daly B. A. (2013). Color and gender based difference in the sources of influence attributed to the choice of college major. *Critical Perspectives on Accounting*. 1037: 119-134.
- Davis H. D. Noland D. & Deato N. (2016). Novel approaches to college choice: A survey of postsecondary opportunities. *Annual Meeting of the Association Research Retrieved from: www. state. tn. us/thec/policyinit. html*.
- European Centre for the Development of Vocational Training (2011). *The Benefits of Vocational education and training*. Luxembourg: Publications Office of the European Union
- Fizer D (2013). *Factors Affecting Career Choices of College Students Enrolled in Agriculture*. Martin: The University of Tennessee
- Javed M (2018). Investigating Factors Affecting Students' Subject Selection at Secondary School Level. *International Journal of Information and Education Technology*. 8(11): 815-820
- Kumazhege S. Z (2017). Factors that Influence Vocational Choice among Technical College Students in North East of Nigeria. *International Journal of Education and Evaluation*. 3(6): 28-39.